



۱۳۵۷۹۴ - ۲۰۹۰۵۰



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه الهیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات - فلسفه و کلام اسلامی

بررسی تطبیقی ارسال رسل از منظر چند متفکر معاصر (بزرگان، حائری
یزدی، امام خمینی (ره)، علامه طباطبایی (ره))

۱۳۸۸ / ۲ / ۶

استاد راهنما:

دکتر فروغ السادات رحیم پور

کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان
تاسیس ۱۳۰۰

استاد مشاور:

دکتر مهدی امامی جمعه

پژوهشگر:

صدیقه کبیری

مهرماه ۱۳۸۸

۱۳۴۷۹۶

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع
این پایان نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه الهیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات، فلسفه و کلام انسانی
صدیقه کبیری تحت عنوان

بررسی تطبیقی هدف ارسال رسل از منظر چند متفکر معاصر (بازرگان، حائری
یزدی، امام خمینی (ره)، علامه طباطبائی (ره))

در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۲۹ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

رحیم پور

امضاء

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر فروغ السادات رحیم پور با مرتبه علمی استادیار

امضاء

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر مهدی امامی جمعه با مرتبه علمی دانشیار

امضاء

۳- استاد داور داخل گروه دکتر پروین نبیان با مرتبه علمی استادیار

امضاء

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر غلامحسین توکلی با مرتبه علمی استادیار

امضای مدیر گروه

به تماشا سوگند

و به آغاز کلام

واژه‌ای در قفس است

واژه شکر و سپاس

که این واژه پروردگار رئوفی را سزااست که انسان را پیچیده‌ترین خلق خود قرار داد و او را نور علم و هدایت عنایت فرمود تا آفاق بی‌منتهای عالم را به تماشا بنشینند و آیات آسمانیش را به ادراک برسانند.

اکنون که به لطف و یاری حضرت حق با موفقیت بدین مرحله علمی نائل گشته‌ام شایسته است با کمال خضوع از محضر اساتید محترم سرکار خانم دکتر رحیم پور استاد راهنما که در تمام مراحل تألیف این رساله خالصانه و بی‌دریغ با راهنمایی‌های ارزنده راهگشای بنده بودند.

به جناب آقای دکتر امامی جمعه استاد مشاور که در مراحل تکمیلی و نهایی با دقت نظرشان، بنده را یاری نمودند، همچنین سرکار خانم دکتر نبیان و آقای دکتر توکلی داوران داخل و خارج گروه که مرا در هر چه بهتر شدن رساله یاری دادند، قدر درانی و تشکر نمایم.

تقدیم به اسطوره صبر و استقامت؛ مادرم

و

تنها گل واژه زندگی؛ برادرم رضا

آنان که وجودم برایشان همه رنج و وجودشان برایم مهر

آنانکه فروغ نگاهشان، گرمی کلامشان و روشنی رویشان سرمایه‌های جاودانی زندگییم هستند.

صمیمانه در برابر وجود گرامیشان زانوی ادب بر زمین می‌نهم و بادل‌های مملو از عشق و محبت بر دستشان بوسه می‌زنم.

بلندای وجودشان، همیشه استوار

چکیده

در مورد اهداف انبیا، نظرات مختلفی ارائه شده است. برخی رسالت انبیا را در پرداختن به امور معنوی محدود کرده‌اند و عده‌ای دیگر معتقدند که انبیا برای پرداختن به امور معنوی، ابتدا باید زمینه را آماده می‌کردند و تا زمینه آماده نمی‌شد، پرداختن به امور معنوی نه تنها امکان‌پذیر نبود، بلکه بی‌اثر و بی‌نتیجه هم بود. آنها بر این باورند، در جامعه‌ای که ظلم و ستم و بی‌عدالتی حاکم باشد، مردم انگیزه‌ای برای پرداختن به امور معنوی، همچون پرستش خدا و اعتقاد به آخرت و انجام عمل صالح و عبادات را ندارند. بر همین اساس، یکی از وظایف انبیا را پاکسازی جامعه از شرک و ظلم و ستم و بی‌عدالتی می‌دانند و معتقدند در چنین جامعه‌ای می‌توان از امور معنوی سخن گفت.

رساله حاضر بر آن است تا ابعاد و جوانب این مسأله را از منظر مهندس بازرگان، دکتر حائری یزدی، امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی (ره) بررسی و نظرات آنها را با یکدیگر تطبیق نماید.

مهندس بازرگان و دکتر حائری یزدی از جمله کسانی هستند که امر حکومت را خارج از حوزه وظیفه انبیا قلمداد می‌کنند و اعتقاد دارند که امر حکومت به انتخاب مردم صورت می‌گیرد و در واقع، امری خلقی است، نه الهی.

در مقابل دیدگاه مذکور، امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی (ره)، نظری کاملاً متفاوت دارند و پرداختن به امور سیاسی را یکی از وظایف مهم انبیا می‌دانند که خداوند متعال آنها را برای این امر منتصب کرده است.

کلید واژه‌ها: اهداف رسالت، نبوت، بسط توحید، اقامه عدالت اجتماعی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

مقدمه	۹
فصل اول: تبیین آرای مهندس بازرگان	
بخش ۱: اهداف بعثت بر اساس دیدگاه اول آقای بازرگان ۳	
۱-۱- ارتباط میان بی نهایت بزرگ و بی نهایت کوچک	۳
۱-۲- زنده کردن آیین یکتا پرستی	۳
۱-۳- انبیا و آزاد کردن انسانها	۴
۱-۴- سه اصل مشترک برنامه انبیا	۶
۱-۵- انبیا راهنمایان مسیر بین نفی تا اثبات	۷
۱-۶- ابلاغ و اشاعه دین	۹
۱-۷- تشکیل امت واحد	۹
۱-۸- انسان سازی	۱۰
۱-۹- تشریح احکام	۱۱
۱-۱۰- ولایت (مدیریت)، هدف برخی انبیا	۱۱
بخش ۲: اهداف بعثت بر اساس دیدگاه دوم مهندس بازرگان ۱۳	
۱-۲- خدا و آخرت تنها برنامه بعثت	۱۳
۲-۲- آنچه هدف بعثت نیست	۱۴
۱-۲-۲- نفی حاکمیت پیامبران	۱۴
۳-۲- اهداف فرعی بعثت	۱۶
بخش ۳: سیاست ۱۸	
۱-۳- تعریف سیاست	۱۸
۲-۳- پیوند دین و سیاست بر اساس دیدگاه اول	۱۸
۱-۲-۳- زمینه های پیوند دین و سیاست در نظر آقای بازرگان ۲۰	
۱-۱- جامعیت دین	۲۰
۲-۱- آمیختگی سیاست با همه احکام	۲۰
۲-۲- آثار سوء تفکیک دین از سیاست	۲۱

۳۷	۲-۱-۱- تسلسل در قانون گذاری و نظام تشریحی
۳۷	۲-۱-۲- دین کلی است و سیاست جزئی
۳۸	۲-۱-۳- سلب مسئولیت از مکلفان
۳۹	۲-۱-۴- عقیم ماندن تکالیف و تعطیل شدن ثواب و عقاب
۳۹	۲-۱-۵- تفاوت ماهوی نبوت و حکومت
۴۱	بخش ۳: حکومت
۴۱	۳-۱- تعریف حکومت
۴۲	۳-۱-۱- حکومت یعنی وکالت شهروندان
۴۳	۳-۲- نیاز به حکومت از ضرورت‌های اولیه عقل عملی
۴۴	بخش ۴: سیاست
۴۴	۴-۱- تعریف سیاست
۴۴	۴-۲- جدایی حوزه دین از سیاست و دلایل آن
۴۴	۴-۲-۱- احکام حکومتی
۴۶	۴-۲-۲- محدودیت‌های حکومت و عدم گستردگی و شمول دین
۴۶	۴-۲-۳- دلالت کلام امیرالمؤمنین (ع) بر جدایی از دین از سیاست
۴۷	۴-۲-۴- حکومت عرفی پیامبر و علی علیهما السلام
۴۹	بخش ۵: جدایی امر ولایت و امامت از حکومت
۵۰	۵-۱- دلایل جدایی ولایت از حکومت
۵۲	پی نوشت

فصل سوم: تبیین آرای امام خمینی (ره)

۵۴	بخش ۱: اهداف بعثت
۵۴	۱-۱- بسط توحید
۵۴	۱-۲- بیدار کردن انسانهای غافل نسبت به آخرت
۵۵	۱-۳- تنزل حقایق قرآن از مرتبه غیب به شهادت
۵۵	۱-۴- تعلیم و تربیت
۵۷	۱-۴-۱- تربیت ابعاد مختلف وجود انسان
۵۸	۱-۴-۲- محدود کردن ابعاد حیوانی

۵۹	۱- ۴- ۳- نجات از بیماری منیت
۵۹	۱- ۴- ۴- رهایی از سرگردانی در راه
۶۰	۱- ۴- ۵- مقابله با پندارهای جاهلانه
۶۰	۱- ۴- ۶- جلوگیری از به اشتباه افتادن فطرت
۶۱	۱- ۴- ۷- تهذیب اخلاق مردم
۶۲	۱- ۵- سعادت همه جانبه
۶۲	۱- ۶- دعوت به اتحاد
۶۳	۱- ۷- بردن از ظلمات به سوی نور
۶۴	۱- ۸- دخالت در سیاست
۶۴	۱- ۸- ۱- بسط عدالت در جامعه
۶۵	۱- ۸- ۲- منهدم کردن کنگره های ظلم
۶۶	۱- ۸- ۳- هدف تشکیل حکومت
۶۶	۱- ۸- ۳- ۱- حکومت برای نجات مردم از بیراهه ها
۶۷	۱- ۸- ۳- ۲- انسان سازی نه کشورگشایی
۶۷	۱- ۸- ۳- ۳- شمشیر جهت اصلاح جامعه
۶۸	۱- ۸- ۳- ۴- قدرت شکنی نه قدرت طلبی
۶۸	۱- ۸- ۳- ۵- حکومت در جهت خدمت به مردم
۶۸	۱- ۸- ۳- ۶- حکومت برای اجرای عدالت الهی
۶۹	۱- ۸- ۳- ۷- حکومت برای معرفت الله
۷۰	بخش ۲: سیاست
۷۰	۲- ۱- تعریف سیاست
۷۰	۲- ۲- پیوند دین و سیاست و دلایل آن
۷۱	۲- ۲- ۱- جامعیت دین
۷۳	۲- ۲- ۲- احکام عبادی سیاسی اسلام
۷۴	۲- ۲- ۳- دخالت انبیا در سیاست
۷۷	۳- ۱- ضرورت اجرا پس از تشریح
۸۰	بخش ۳: ولایت و حکومت
۸۲	پی نوشت

فصل چهارم: تبیین آرای علامه طباطبایی (ره)

بخش ۱: اهداف بعثت	۸۵
۱-۱- دعوت به توحید	۸۵
۱-۲- توجه به عالم غیب و عالم آخرت	۸۵
۱-۳- نشان دادن راه سعادت و شقاوت	۸۶
۱-۴- تعلیم و تربیت انسان ها	۸۶
۱-۵- دعوت به اتحاد	۸۷
۱-۶- برقراری عدالت	۸۹
بخش ۲: پیوند دین و سیاست و دلایل آن	۹۱
۲-۱- جامعیت دین	۹۱
۲-۲- احکام عبادی سیاسی اسلام	۹۲
۲-۳- سیره و روش پیغمبر و امامان علیهم السلام	۹۲
بخش ۳: ولایت و حکومت	۹۴
پی نوشت	۹۷

فصل پنجم: مقایسه تطبیقی میان آرای متفکران مورد نظر (بازرگان، حائری یزدی، امام

خمینی (ره)، علامه طباطبایی (ره))

۵-۱- مشترکات	۹۸
۵-۲- اختلافات	۱۰۰
۵-۲-۱- اجمالی از دیدگاه اول: عدم دخالت در اجرائیات	۱۰۱
۵-۲-۲- اجمالی از دیدگاه دوم: دخالت انبیاء در اجرائیات	۱۰۳
۵-۳- بررسی دلایل دو دیدگاه برای اثبات ادعای خود	۱۰۴
۵-۳-۱- آیات	۱۰۴
۵-۳-۲- سیره پیامبران و ائمه - علیهم السلام	۱۱۱
۵-۳-۳- رابطه دین و سیاست	۱۱۸
پی نوشت	۱۲۱
منابع و مأخذ	۱۲۲

مقدمه

یکی از مباحث مهم بعثت انبیا، مبحث وظایف انبیا و به عبارت دیگر، هدف از ارسال رسل است. درخصوص بعضی از اهداف، میان مسلمانان و از جمله متفکران مورد نظر این رساله اتفاق نظر وجود دارد؛ اهدافی نظیر بسط توحید، بیان احکام، گسترش معرفت نسبت به مبدأ و معاد و شناساندن جهان آخرت و غیب، اما بعضی غایات محل اختلاف و بحث است که مهمترین آنها اصلاح امور دنیوی و قیام به قسط و اقامه عدل از طریق تشکیل حکومت است. مسأله اصلی این است که آیا حکومت انبیا، جزو وظایف آنها بوده است و از جانب خدا برای این امر منتصب شده اند یا دخالت در امور سیاسی خارج از حوزه وظایف آنها بوده است و با درخواست و انتخاب مردم در این امور دخالت می کرده اند.

تبیین مسأله پژوهشی و اهمیت آن:

در میان عواملی که به عنوان انگیزه بعثت انبیا برشمرده شده بعضی مورد اتفاق اغلب متفکران دینی است، نظیر: خداشناسی، شناخت عالم غیب و حیات اخروی و بیان طرق نیل به کمالات معنوی و اخلاقی. اما رد و اثبات بعضی از امور به عنوان غایت و هدف بعثت محل اختلاف و بحث است که مهمترین آنها، اصلاح امور دنیوی و قیام به قسط و اقامه عدل به واسطه برپا کردن نظام سیاسی - اجتماعی است.

از نظر برخی متفکران پرداختن به امور سیاسی - اجتماعی و دخالت امور دنیوی خارج شدن از حدود نبوت است و با توجه به اینکه اگر انبیا به این قبیل امور بپردازند، معارف الهی و مسایل معنوی تحت تأثیر امور دنیوی و حکومتی قرار می گیرد. در مقابل، جمع دیگری دخالت در امور سیاسی - اجتماعی را نه تنها از جمله اهداف انبیا، بلکه شرط لازم و زمینه حصول غایات دیگر می دانند و معتقدند که تنها با حاکمیت انبیاست که انسانها می توانند به سعادت دنیوی و اخروی برسند.

در این رساله برآنیم تا با تبیین و مقایسه اهداف بعثت از منظر این دو گروه دلایلی را که بر اساس آنها، دیدگاه اول معتقد به ضرورت عدم دخالت پیامبران در امور سیاسی - اجتماعی شده و برعکس، دیدگاه دوم معتقد به وجوب دخالت ایشان در آن امور گردیده مقابل هم نهاده، بررسی و تحلیل نماییم.

خاطر نشان می کنیم که تبیین غایت بعثت انبیا و شؤون رسالت ایشان، گذشته از آنکه کاوش در یک مسأله کلامی و تبیین یک حقیقت دینی و الهی است؛ روشنگر حوزه انتظارات بشر از دین و تعیین کننده میزان ورود شریعت در زندگی فردی و اجتماعی نیز هست.

اهداف:

- ۱- بررسی اختلاف اهداف ارسال رسل از منظر متفکران مورد نظر (بازرگان، حائری یزدی، امام خمینی، علامه طباطبائی)
- ۲- مقایسه دلایل متفکران مورد نظر رساله برای اثبات نظریه خاص خودشان در مورد اهداف بعثت.
- ۳- تبیین عوامل اختلاف نظر متفکران مورد نظر با توجه به استفاده از مدارک و منابع مشابه.

فرضیات و پرسشها:

- ۱- اختلاف اهداف ارسال رسل از منظر متفکران مورد نظر (بازرگان، حائری یزدی، امام خمینی، علامه طباطبائی)
- ۲- دلایل هر دسته از متفکران مورد نظر رساله در معرفی موارد مورد نظر خود به عنوان اهداف رسالت چه بوده است؟
- ۳- چرا بعضی از متفکران مورد نظر با وجود تکیه بر منابع کاملاً مشترک (از جمله آیات و روایات یکسان) به نتایج متفاوتی در مورد اهداف بعثت رسیده اند؟

پیشینه تحقیق:

در مورد اهداف بعثت انبیا تحقیقاتی صورت گرفته اما تا کنون مقایسه تطبیقی میان آرای متفکرین مورد نظر این رساله انجام نشده است. به برخی از تحقیقاتی که به جنبه هایی از این مسأله پرداخته اند اشاره می کنیم:

- شیخ الرئیس در الهیات شفا (المقاله العاشره)، تحقیق آیت الله حسن زاده الاملی ۱۴۱۸ق، ۱۳۷۶ش. و در نجات (الجزوه الحادی عشر) با ویرایش و دیباچه محمدتقی دانش پژوه، ۱۳۶۴ش. به خصوصیات نبی و اهداف بعثت انبیا و وظایف ایشان پرداخته است.

صدرالمآلهین در بحث نبوت، شواهد الربوبیه (در مشهد پنجم؛ شاهد اول، اشراق اول و دهم) به اثبات وجود نبی و بیان اوصاف و وظایفش پرداخته است.

- آقایان عبدالحسین خسروپناه و محسن کریمی و سید مهدی بزرگی در فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه اسلام (سال دوم - شماره ششم) نظر امام خمینی و شهید مطهری را به طور مستقل در مورد اهداف بعثت و تشکیل حکومت اسلامی بررسی کرده اند.

- آقای احد فرامرز قراملکی در کتابی به نام مبانی کلامی جهت گیری دعوت انبیا نظر ابن سینا و فارابی در مورد نبوت را بررسی کرده و همچنین دیدگاه فخر رازی را در این مورد بیان کرده است.

- خانم طیبیه محمد کیا در فصلنامه تخصصی علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (سال دهم، شماره سی و هفتم) به بررسی دیدگاه ابن سینا در مورد نقش سیاسی پیامبر در جامعه پرداخته.

- شیخ سالم الصفار در کتاب سیره الرسول القیاده و المناهج الانسانیه، به بحث از مطالبی نظیر: حکومت جهانی پیامبر و مشخصات دولت پیغمبر اسلام پرداخته است.

- دکتر احمد بهشتی در کتاب تأملات کلامی در مسایل روز به بررسی اهداف بعثت پرداخته است.

– خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب تجرید الاعتقاد (مقصد رابع) به فوائد بعثت انبیا پرداخته است.

•

فصل اول

تبیین آرای مهندس بازرگان

مقدمه

آقای بازرگان در مورد اهداف بعثت انبیا دو موضع اتخاذ کرده است که یکی مربوط به سالهای پایانی حیات ایشان و دیگری مربوط به سایر سالهای حیات فکری ایشان بوده است که ما آن را دیدگاه اول می‌نامیم.

بنا بر نظر ایشان در دوره اول، بزرگترین عیب انسان جهالت و خود خواهی اوست و این عیب باعث پیدایش عیوب دیگری، همچون شرک - به خاطر محدودیت درک آنچه ماورای طبیعت است - و ظلم به دیگران برای برآورده کردن نیازها و منافع خودش شده است. هر انسانی می‌خواهد همه چیز تحت تصرف خودش باشد. به همین علت، از جانب خدا پیامبرانی مبعوث شدند که هدف اولشان «آزادساختن بشر از اسارت نفس و جمیع تعلقات است» که همگی مانعی بین انسان و خالقش هستند و در واقع، در پی رها کردن انسان از تاریکخانه شرک و این همان شعار «لا اله الا الله» است که انقلاب عظیمی در عقیده و رویه بشر ایجاد کرد و خدا را محور همه چیز قرار داد. هدف دوم انبیا «خبر از جهان آخرت» و اعلام هدفمند بودن خلقت انسان و بیهوده نبودن اعمالش در دنیاست. از نظر آقای بازرگان، زندگی منحصر و محدود به این دنیا نیست، ما و اعمالمان نابود نمی‌شویم، بلکه در زندگی ابدی تجدید حیات خواهیم کرد و در آنجا وارث اعمال گذشته خود خواهیم بود. پس باید برای «تدارک

آخرت» در این دنیا بکوشیم و این هدف سوم انبیاست. در اینجاست که دو برداشت از سخنان آقای بازرگان در خصوص تدارک آخرت می توان کرد: ۱- نفی دلبستگی به دنیا؛ ۲- انجام دادن عمل صالح و خدمت به خلق.

آقای بازرگان اهداف دیگری نیز برای انبیا قایل است، از جمله: «مبشّر و منذر بودن» «تلاوت آیات» و «تعلیم کتاب و حکمت» و بالاخره «تشکیل حکومت».

این اهداف مربوط به دیدگاه اول بازرگان بود که ایشان اصرار بر عدم تفکیک دین از سیاست داشت و بر همین مبنا حکومت کردن را جزئی از وظایف انبیا می دانست، ولی در دیدگاه دوم، از تفکیک دین و سیاست سخن گفت و آخرت و خدا را تنها هدف بعثت پیامبران دانست.

بخش ۱: اهداف بعثت براساس دیدگاه اول آقای بازرگان

۱-۱- ارتباط میان بی نهایت بزرگ و بی نهایت کوچک

انبیا از طرفی معبود خود را بی نهایت بزرگ و دور و در عین حال نامحسوس و نادیدنی معرفی کرده اند: «لَیسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ...» (شورا ۱۱) و از طرف دیگر، انسان را با قبول استعداد و ارزشهای او از صدف خود خواهی و مسند تکبر بیرون آورده، حقارت و ناتوانی و ضعف بی نهایتش را به او خاطر نشان ساختند و آن گاه ما بین آن بی نهایت بزرگ و این بی نهایت کوچک پل خداپرستی زدند؛ یعنی پیغمبران انسان و خدا را به هم نزدیک کردند (بازرگان، ۱۳۷۷. الف: ۱۰۱-۱۰۲).^۱

در همین راستا آقای بازرگان در جای دیگر می گوید ریشه همه اختلافها سر همین کلمه است: خود یا خدا؟ بر همین اساس، پیغمبران انسان را بسیار کوچک و صغیر مطلق^۲ می دانند و از انسان، خود او را می گیرند و خدا را به او می دهند (۱۳۷۸: ۱۷۶-۱۷۷).

از دیدگاه ایشان، یکی از دردهایی که مانع قبول حق تعالی و عبادت و پرستش او می شود، تکبر برخداست؛ یعنی خود بزرگ بینی. بر همین اساس، انبیا برای درمان این درد، خودشناسی را تجویز کرده، به انسان فقر ذاتی-اش را خاطر نشان کردند. همچنین آفرینش انسان از پست ترین ماده جهان؛ یعنی لجن یا همان خاک رسوبی را یاد آور شدند تا بدین وسیله حقارت و کوچکی اش را در برابر خدا درک کند و ببیند که در برابر خدا چیزی ندارد. در واقع، نقش انبیا عبور دادن انسان بی نهایت کوچک از خودپرستی و سیر دادن او به مراتب بی نهایت بزرگ الهی از یک طرف و سرریز کردن انسانهای بی نهایت بزرگ به جانب بی نهایت کوچک.

۱-۲- زنده کردن آیین یکتا پرستی

به عقیده آقای بازرگان، خداپرستی امری فطری و جزو اولین تعلیمات انسانها از زمان حضرت آدم (ع) بوده است، ولی انسانها به خاطر عدم تکامل و عدم رشد فکری و تنبلی، میل به ملموسات و آنچه قابل رؤیت و آزمایش در آزمایشگاه باشد؛ دارند و می خواهند از آنچه که در عمق و پس پرده است؛ یعنی «غیب» فرار کنند. از آنجا که درک توحید و شرط بندگی برای فرزندان آدم کار مشکلی بوده و هست؛ انسانها همواره به اوهام جاهلانه بازگشت می نمودند و برای خدای واحد، شریک و شبهه هائی اتخاذ می کردند و از خط اصلی- که خداپرستی است- خارج می شدند (۱۳۶۴: ۴۸؛ ۱۳۸۵: ۳۶۳).

مهندس بازرگان معتقد است پیامبران برخلاف آنچه در نظر اول تصور می شود، برای مردم اثبات وجود خدا و ابداع پرستش نکردند، بلکه پیغمبران به عنوان ساده کننده آیین های پرستش و مصلح افکار و عقاید کسانی که از فطرت منحرف شده اند، معرفی می شوند (۱۳۷۸: ۱۶۹-۱۷۰):

«... قیام پیغمبر ما برای اثبات وجود خدا و ایجاد دین نبوده. در اعتقاد اعراب مردم آن زمان «خدا» قبلا وجود داشت. حتی بیشتر از یک خدا! پیغمبر فریاد زد خداهای زیادی ساختگی را دور بریزید و فقط یک خدا را پرستید! همچنین مشرکین مردمان لاقید بی بند و باری نبودند؛ بلکه آداب دینی بسیار مفصل و دشواری داشتند. پیغمبر آداب و احکام را از تفرق و تشتت و اوهام بیرون آورد و اعمال را متوجه به یک هدف و به وضع سهل و ساده طبیعی درآورد: بُعِثْتُ عَلَيَّ شَرِيعَةً سَهْلَةً...» (۱۳۷۷، ج: ۶۷).

آقای بازرگان عقیده دارد که علت یابی امری فطری است که بر اثر تجربه به وجود می آید و نیازی به اکتساب آن از طریق غیر نیست. بشر پیوسته می داند که هر معلولی، علتی دارد. بر همین اساس، احساس نیاز به پرستش مافوق خود به او دست می دهد. در نتیجه، آنچه را در نظرش بزرگ می نماید، پرستش می کند. او می داند که علتی هست و باید علتش را پرستد، چون احساس نیاز به او دارد، ولی در اینکه چه کسی را پرستد، در اثر جهالتش دچار اشتباه و سردرگمی می شود و خداهای زیادی را برای خودش می تراشد. اینجاست که انبیا به کمک او می آیند و او را از حالت تشتت افکار درآورده، به یک سمت راهنمایی اش می کنند.

۱-۳- انبیا و آزاد کردن انسانها

آزادی حق طبیعی و فطری هر انسانی است و مفهومی است دارای مصادیق فراوان. از میان جنبه های مختلفی که انسان می تواند آزاد باشد، موارد زیر مورد نظر بوده که مطابق با شعار «لا اله الا الله» انبیاست:

۱- آزادی بشر از بت پرستی و شرک؛

۲- آزادی از دنیا پرستی و هوای نفس؛

۳- رهاییدن بشر از راهزنان ایمان؛

۴- رهاییدن بشر از ارباب زور و طاغوت.

ایشان در چندین مورد از آثارش درباره رها کردن از شرک سخن گفته است؛ برای مثال، در کتاب **مباحث علمی، اجتماعی، اسلامی** برنامه انبیا را نجات بشر از دست بتها و خدایان خیالی زاینده وهم و جهل دانسته است. به عقیده ایشان، پیغمبران با شعار «لا تَعْبُدُوا الا اِيَّاه»^۲ مردم را از پرستش بتهای ساختگی و خیالی منع کرده،

می گفتند: بتها ساخته خود شماست و صفاتی که به آنها نسبت می دهید، سرچشمه از افکار و اوهام خودتان دارد. تصویر منعکس وجود خودتان است، پس شما خودتان را می پرستید، نه خدا را (همان: ۱۶۹ - ۱۷۰).

چنانکه حضرت ابراهیم (ع)، رسالتش را با اعراض از ستاره و ماه و خورشید که معبودهای آن روزگار بوده اند، شروع کرده و با نمرودها در افتاده و بت شکن صحنه ساز شده است: «أَنِي وَجْهَتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ... (انعام/ ۷۹) من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمانها و زمین را آفریده» (همو، ۱۳۸۵: ۲۰۵).

بنا به گفته انبیا، شرک که بر اثر جهل و نادانی گریبانگیر انسان می شود، همچون زنجیری است که آزادی حقیقی انسان را می ستاند. از این رو، پیامبران الهی در پی آنند که این قفس اسارت را بشکنند و آدمی را از چنگال اسارت نجات دهند.

ایشان در توضیح مورد دوم نیز گفته است که دل بستن به دنیا و پیروی از هوای نفس و فریب شیطان، از جمله عوامل بدبختی انسانها است. خداوند انسانها را مختار آفرید و شیطان را وسیله ای برای آزمایش او قرار داد. مأموریت شیطان متحرف کردن بشر از صراط مستقیم است و مأموریت انبیا ارائه راهکارهای رهایی از وسوسه های نفس و فریب شیطان است.

آقای بازرگان همچنین در شرح مورد سوم و چهارم گفته است که نجات بشر از راهزنان ایمان یا متولیان معابد و ادیان که به اعتقاد وی همانها سازندگان شرک و رودررویان پیغمبران بوده اند، و همچنین رهایی بشر از پادشاهان و قلدران ارباب زور و زریا طاغوتهای زمان که باعث همه بدبختیها و بی عدالتیها و نیز مانع به کمال رسیدن انسانها بوده اند، از جمله اهداف بعثت انبیاست (۱۳۶۴، ج ۱: ۶۵).

بدون تردید، آنچه فکر و عقل بشریت را در غل و زنجیر قرار داده و کمرها را شکسته است، دارای یک جلوه نبوده و نیست، بلکه جلوه های گوناگون دارد که به صورتهای جهل، تبعیض و بی عدالتی و ظلم و خیانت و... خودنمایی می کند. بنابراین، سرلوحه کار پیامبران مبارزه با همه آنها و رهاندن بشر از اسارت طاغوت درون و بیرون است. طاغوت درون؛ یعنی رهایی بشر از هوای نفس و جهل و...، و منظور از طاغوت بیرون، رهایی از ظلم ظالمان و زورمندان و اربابان بشر است.